



مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

پیامدهای حمله ایالات متحده و اسرائیل به ایران بر وضعیت تجارت کشور



فروردین ۱۴۰۵



مرکز پژوهش های اتاق ایران

پیامدهای حمله ایالات متحده و اسرائیل به ایران بر وضعیت تجارت کشور

مدیریت دیپلماسی اقتصادی و آینده پژوهی

تهیه و تدوین: آیدا ابونبی، حسین رحمانی زاده

تاریخ انتشار: فروردین ۱۴۰۵

واژگان کلیدی: روابط اقتصادی و تجاری، درگیری نظامی، مخاطرات ژئوپلیتیکی،

زیرساخت های لجستیکی، زنجیره های تامین، هزینه های بیمه حمل و نقل، بنادر و

کریدورهای تجاری، اوکراین، ویتنام و روسیه

شناسه گزارش: RC-1404-MEF-E2-PP-1170

نشانی: تهران، خیابان طالقانی، نبش خیابان شهید موسوی (فرصت)، پلاک ۱۷۵

مرکز پژوهش هادر شبکه های اجتماعی:

Instagram: @rc.iccima.ir

Telegram: @rc_iccima

Twitter: @rc_iccima

فهرست مطالب

۵	خلاصه مدیریتی
۷	مقدمه
۹	تجارت بین‌الملل در شرایط جنگ
۱۲	بررسی موردی تجارب کشورهای درگیر در جنگ
۱۵	شرایط تجارت ایران در شرایط جنگ و پس از آن
۲۷	توصیه سیاستی

خلاصه مدیریتی

جنگ‌ها همواره یکی از مهم‌ترین عوامل اختلال در روابط اقتصادی و تجاری میان کشورها بوده‌اند. در این چارچوب، حمله ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران در فوریه ۲۰۲۶ را می‌توان نمونه‌ای بارز از تاثیر جنگ بر ساختار تجارت یک کشور دانست. با آغاز این درگیری، مخاطرات ژئوپلیتیکی در منطقه به شدت افزایش یافت و بسیاری از مسیرهای کلیدی تجارت، به‌ویژه در حوزه انرژی و حمل‌ونقل دریایی، با تهدید مواجه شدند.

یکی از نخستین پیامدهای این جنگ اختلال جدی در زیرساخت‌های لجستیکی و زنجیره‌های تامین است. ناامنی در مسیرهای دریایی، افزایش هزینه‌های بیمه حمل‌ونقل و محدودیت در دسترسی به بنادر و کریدورهای تجاری، باعث شد واردات و صادرات ایران با چالش‌های عملیاتی جدی مواجه شود. این وضعیت، به‌ویژه در تامین کالاهای اساسی و مواد اولیه برای صنایع داخلی، فشار مضاعفی بر اقتصاد کشور وارد خواهد کرد.

در این گزارش ابتدا تجربه تجاری سه کشور اوکراین، ویتنام و روسیه در حین جنگ مرور می‌شود و سپس با استفاده از این تجارب راهکارهای سیاستی برای نظام تجاری ایران در شرایط جنگ و پس از آن ارائه شده است. مهم‌ترین درس‌هایی که می‌توان از سه کشور مورد مطالعه گرفت:

در اوکراین چالش اصلی بسته شدن بنادر دریای سیاه و قطع مسیر اصلی صادرات (غلات) است. راهکار این کشور «بازطراحی سریع مسیرهای تجاری» است و به ما می‌آموزد که سرعت در جایگزینی مسیر مهم‌تر از بهینه بودن آن است.

در روسیه چالش اصلی تحریم شدید غرب و قطع دسترسی به بازارهای سنتی بود که راهکار این کشور «پرخش ژئواقتصادی تجارت» بود و به ما می‌آموزد که جهت تجارت را عوض کنید، نه اینکه منتظر بازگشت شرایط قبلی بمانید.

در ویتنام بحران، اقتصاد ضعیف بعد از جنگ بود و راهکار این کشور «استفاده از پایان بحران برای جهش» بود و به ما می‌آموزد که پایان بحران بدون اصلاحات برابر با از دست دادن فرصت تاریخی



است.

اما از جمله راهکارهای ارائه شده در این گزارش برای ایران مواردی نظیر بازطراحی فوری مسیرهای تجاری و ایجاد کریدورهای جایگزین، تغییر جهت جغرافیایی تجارت خارجی، تنوع‌بخشی به شرکای تجاری با تاکید بر جایگزینی امارات متحده عربی، توسعه سازوکارهای مالی جایگزین و غیردلاری، اصلاح و تسهیل فرآیندهای گمرکی و تجاری، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های لجستیکی و حمل‌ونقل و حرکت به سوی اصلاحات ساختاری در دوره پسا‌جنگ است که در گزارش به صورت تفصیلی توضیح داده شده است.

مقدمه

جنگ‌ها همواره یکی از مهم‌ترین عوامل اختلال در روابط اقتصادی و تجاری میان کشورها بوده‌اند، اما زمانی که این جنگ‌ها میان قدرت‌های مهم منطقه‌ای یا جهانی رخ می‌دهند، اثرات آن‌ها از سطح ملی فراتر رفته و کل نظام تجارت بین‌الملل را تحت تاثیر قرار می‌دهد. در شرایط عادی، تجارت بین کشورها بر پایه ثبات سیاسی، امنیت مسیرهای حمل و نقل، دسترسی به نظام‌های مالی بین‌المللی و اعتماد متقابل شکل می‌گیرد؛ اما بروز جنگ، این مولفه‌ها را به طور همزمان دچار اختلال می‌کند. در چنین فضایی، هزینه‌های مبادله افزایش یافته، مخاطره سرمایه‌گذاری بالا می‌رود و کشورها ناچار به بازنگری فوری در سیاست‌های تجاری خود می‌شوند.

در این چارچوب، حمله ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران در فوریه ۲۰۲۶ را می‌توان نمونه‌ای بارز از تاثیر جنگ بر ساختار تجارت یک کشور دانست. این جنگ که در ادامه سال‌ها تنش سیاسی، تحریم‌های اقتصادی و درگیری‌های غیرمستقیم شکل گرفت، به سرعت پیامدهای گسترده‌ای بر اقتصاد ایران و روابط تجاری آن با جهان بر جای گذاشت. با آغاز این درگیری، مخاطرات ژئوپلیتیکی در منطقه به شدت افزایش یافت و بسیاری از مسیرهای کلیدی تجارت، به‌ویژه در حوزه انرژی و حمل و نقل دریایی، با تهدید مواجه شدند.

یکی از نخستین پیامدهای این جنگ اختلال جدی در زیرساخت‌های لجستیکی و زنجیره‌های تامین است. ناامنی در مسیرهای دریایی، افزایش هزینه‌های بیمه حمل و نقل و محدودیت در دسترسی به بنادر و کریدورهای تجاری، باعث شد واردات و صادرات ایران با چالش‌های عملیاتی جدی مواجه شود. این وضعیت، به‌ویژه در تامین کالاهای اساسی و مواد اولیه برای صنایع داخلی، فشار مضاعفی بر اقتصاد کشور وارد خواهد کرد.

بدین روی جنگ میان ایران و ایالات متحده در سال ۲۰۲۶ نشان داد که چگونه یک درگیری نظامی می‌تواند در مدت زمانی کوتاه، ساختار تجارت یک کشور را دگرگون کند. این جنگ نه تنها موجب کاهش حجم تجارت خارجی و افزایش هزینه‌های آن خواهد شد، بلکه جهت‌گیری‌های بلندمدت سیاست تجاری ایران را نیز تحت تاثیر قرار خواهد داد. حرکت به سمت خوداتکایی، تغییر و جایگزینی



شرکای تجاری و استفاده از روش‌های جایگزین مبادله، از جمله پیامدهایی است که در نتیجه این درگیری تشدید خواهند شد. به طور کلی در حال حاضر و در واکنش به این شرایط، سیاست‌های تجاری ایران نیازمند چه تغییرات اساسی است که بتواند خود را با شرایط ویژه تطبیق دهد. در ادامه این گزارش ابتدا تاثیر جنگ بر تجارت بین‌الملل از منظر ادبیات موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد و در ادامه تجربه تجاری سه کشور اوکراین، ویتنام و روسیه در حین جنگ مرور می‌شود و قسمت پایانی گزارش به تبیین و ارائه راهکارهای سیاستی برای نظام تجاری ایران در شرایط جنگ و پس از آن اختصاص یافته است.

تجارت بین الملل در شرایط جنگ

در ادبیات اقتصاد سیاسی بین الملل، جنگ نه صرفا به عنوان یک اختلال مقطعی، بلکه به مثابه یک شوک ساختاری در نظر گرفته می شود که قادر است منطق حاکم بر سازمان‌دهی تجارت جهانی را بازتعریف کند. بررسی‌های تاریخی نشان می دهد که درگیری‌های نظامی بزرگ، فراتر از ایجاد وقفه در جریان‌های تجاری، به بازآرایی بنیادین در معماری نهادی، جغرافیایی و بخشی نظام مبادلات بین الملل انجامیده‌اند. از این منظر، جنگ را باید نه به عنوان یک انحراف از مسیر تعادل، بلکه به مثابه بخشی از پویایی‌های درونی نظام اقتصاد سیاسی بین الملل تلقی کرد که از طریق آن، الگوهای تولید، شبکه‌های مبادله و توزیع قدرت اقتصادی بازساخته می شوند. در این چارچوب تحلیلی، جنگ حاضر واجد اهمیت ویژه‌ای است، زیرا امکان بررسی همزمان تعامل میان وابستگی به منابع طبیعی، محدودیت‌های ژئوپلیتیکی و فشارهای نهادی را فراهم می آورد.

ادبیات نظری، بر نقش بازدارنده تجارت در برابر درگیری تاکید دارد و افزایش وابستگی متقابل اقتصادی را عاملی در جهت کاهش احتمال درگیری می داند. با این حال، این چارچوب تحلیلی در مواجهه با واقعیت‌های پیچیده اقتصاد جهانی معاصر با محدودیت‌هایی مواجه است. پژوهش‌های اخیر نشان می دهند که رابطه میان تجارت و تنش نظامی ماهیتی غیرخطی و وابسته به ساختار شبکه‌ای تجارت جهانی دارد. به بیان دقیق‌تر، در حالی که وابستگی دوجانبه می تواند هزینه‌های تنش را افزایش داده و نقش بازدارنده ایفا کند، گسترش تجارت چندجانبه و تنوع بخشی به شرکا، این وابستگی را تضعیف کرده و در برخی موارد حتی می تواند وقوع تنش نظامی را تسهیل کند. این امر بیانگر آن است که تحلیل تجارت در شرایط کنونی مستلزم عبور از مدل‌های ساده دوجانبه و حرکت به سمت درک شبکه‌ای و چندلایه از تعاملات اقتصادی است.

از منظر تحلیلی، مهم ترین پیامد جنگ را باید در فرآیند بازیگر بندی^۱ تجارت جست‌وجو کرد، نه صرفا در کاهش حجم آن. شواهد تجربی از درگیری‌های اخیر در دنیا، به ویژه جنگ روسیه و اوکراین، نشان داد که تجارت جهانی از طریق سازوکارهایی نظیر جایگزینی و بازآرایی مسیرها، به این شوک واکنش

نشان می‌دهد. این امر حاکی از آن است که شبکه‌های تجاری از درجه‌ای از انعطاف‌پذیری برخوردارند که امکان تطبیق با محدودیت‌ها را فراهم می‌سازد، هرچند این تطبیق معمولاً با تغییراتی در هزینه و کارایی همراه است. در نتیجه، جنگ را می‌توان به‌عنوان عاملی در نظر گرفت که نه تنها سطح، بلکه ساختار و کیفیت تجارت را نیز دگرگون می‌سازد. کارکرد این چارچوب در مورد ایران نشان می‌دهد که پیامدهای جنگ حاضر را باید در تلاقی سه عامل کلیدی تحلیل کرد: موقعیت ژئوپلیتیکی، ساختار اقتصادی مبتنی بر منابع و محدودیت‌های نهادی ناشی از تحریم‌ها. تمرکز منابع هیدروکربنی، در کنار قرارگیری در مجاورت گلوگاه‌های راهبردی نظیر تنگه هرمز، ایران را به یک بازیگر ساختاری در بازار جهانی انرژی تبدیل کرده است. با این حال، همین ویژگی‌ها سطح آسیب‌پذیری را در برابر این نوع شوک‌ها افزایش می‌دهد. در این میان، باید به این نکته توجه داشت که بازارهای انرژی از ویژگی‌هایی برخوردارند که واکنش آن‌ها به شوک‌های عرضه را پیچیده می‌سازد. کشش پایین عرضه در کوتاه‌مدت و نقش حیاتی انرژی به عنوان نهاده‌ای واسطه‌ای، موجب می‌شود که اختلالات محدود نیز پیامدهای نامتناسبی در سطح قیمت‌ها و ثبات اقتصادی داشته باشند. از سوی دیگر، کاهش حجم صادرات انرژی لزوماً به معنای کاهش متناسب درآمدهای آن نیست، بلکه می‌تواند از طریق افزایش قیمت‌ها تا حدی جبران شود. با این حال، این وضعیت با افزایش عدم قطعیت و بی‌ثباتی همراه است که خود به عنوان عاملی بازدارنده برای سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی اقتصادی ظاهر می‌شود.

یکی از ابعاد کلیدی در تحلیل تجارت در شرایط جنگی، نقش هزینه‌های تجاری و به ویژه هزینه‌های لجستیکی است. افزایش مخاطرات امنیتی، رشد هزینه بیمه‌های حمل‌ونقل و اختلال در مسیرهای دریایی، عملاً فاصله اقتصادی^۱ میان کشورها را افزایش می‌دهد (در شرایط ثبات فاصله جغرافیایی). در این چارچوب، می‌توان استدلال کرد که جنگ از طریق بازتعریف فاصله اقتصادی عمل می‌کند. افزون بر این، کانال‌های مالی نقش تعیین‌کننده‌ای در انتقال اثرات جنگ به تجارت بین‌الملل ایفا می‌کنند. تنش نظامی، از طریق تاثیرگذاری بر نرخ ارز، نرخ بهره و دسترسی به تسهیلات، هزینه‌های مبادله و تجاری را افزایش داده و مشارکت در تجارت جهانی را محدود می‌سازد که این امر در مورد ایران، که پیش

از این نیز با محدودیت‌های مالی مواجه بوده است، می‌تواند به تعمیق انزوای مالی منجر شود. اگرچه سازوکارهای جایگزین نظیر پیمان‌های پولی دوجانبه یا نظام‌های پرداخت غیردلاری می‌توانند بخشی از این محدودیت‌ها را کاهش دهند، اما در خصوص کارایی و هزینه‌های این ابزارها تردیدهایی وجود دارد.

جنگ به جای توقف کامل تجارت، آن را به سمت مسیرهای جایگزین هدایت می‌کنند. با این حال، این جابه‌جایی به ندرت بدون هزینه است. افزایش فاصله‌های حمل‌ونقل، کاهش شفافیت و تغییر در موازنه قدرت میان طرفین تجاری، همگی از پیامدهای این فرآیند هستند. جنگ نه تنها بر سمت عرضه، بلکه بر ساختار و پویایی‌های تقاضای جهانی نیز تاثیر چندلایه‌ای بر جای می‌گذارد. در چنین شرایطی، ترجیحات سیاسی، هم‌راستایی‌های ژئوپلیتیکی و ملاحظات مرتبط با مدیریت مخاطرات، به گونه‌ای فزاینده در بازتعریف الگوهای تقاضا نقش‌آفرین می‌شوند و مسیرهای سنتی تجارت را دستخوش تغییر می‌سازند. بر این مبنا، جنگ حاضر را می‌توان در چارچوبی گسترده‌تر و نظام‌مند، به عنوان مصداقی از گذار تدریجی از یک نظام تجاری نسبتاً یکپارچه به نظامی چندپاره، شبکه‌ای و مبتنی بر ائتلاف‌های سیاسی و اقتصادی تحلیل کرد. در این فرآیند گذار، تجارت بین‌الملل نه از میان می‌رود و نه صرفاً با کاهش کمی مواجه می‌شود، بلکه در قالب‌هایی نوین، با تحمیل هزینه‌های مبادلاتی بالاتر و کاهش سطح کارایی، بازتولید و بازسازماندهی می‌شود. به نظر میرسد تحولاتی که شرح آن رفت، مویده آن است که تجارت بین‌الملل به طور جدایی‌ناپذیری در بستر تحولات ژئوپلیتیکی شکل می‌گیرد و جنگ را می‌توان به عنوان یکی از مهم‌ترین نیروهای بازسازنده و جهت‌دهنده به ساختار و کارکرد آن در نظر گرفت.



بررسی موردی تجارب کشورهای درگیر در جنگ

اوکراین، روسیه و ویتنام در مقاطعی یا درگیر جنگ بوده و یا همچنان هستند. این کشورها در حین جنگ اقدامات و مداخلاتی در نظام تجاری خود انجام دادند. مرور و بررسی این اقدامات بینشی ارزشمند از کیفیت و گستردگی این مداخلات ارائه می‌دهد.

الگوی ۱: اوکراین

«بازطراحی سریع مسیرهای تجاری»

مسئله: بسته شدن بنادر دریای سیاه

قطع مسیر اصلی صادرات (غلات)

اقدام کلیدی:

ایجاد مسیرهای جایگزین زمینی به اروپا (Solidarity Lanes)

یارانه حمل و نقل

هماهنگی گمرکی با کشورهای همسایه

توصیه سیاستی برای ایران:

اقدامات قابل اجرا:

ایجاد «کریدور اضطراری صادرات»

یارانه حمل زمینی

جبران هزینه بالاتر نسبت به مسیر دریایی

توافق فوری با همسایگان

کاهش زمان ترخیص

پذیرش استاندارد مشترک

درس کلیدی از اوکراین:



سرعت در جایگزینی مسیر مهم‌تر از بهینه بودن آن است.

الگوی ۲: روسیه

«چرخش ژئواقتصادی تجارت»

مسئله

تحریم شدید غرب

قطع دسترسی به بازارهای سنتی

اقدام کلیدی:

افزایش صادرات به: چین و هند

استفاده از ناوگان غیررسمی

توسعه سیستم مالی غیردلاری

توصیه سیاستی برای ایران:

اقدامات قابل اجرا:

تمرکز رسمی روی شرق: چین، هند، آسیای مرکزی

توسعه تجارت با ارزهای محلی: پیمان‌های پولی دوجانبه

ایجاد شبکه واسطه‌ای امن: شرکت‌های واسط در کشورهای ثالث

درس کلیدی از روسیه:

جهت تجارت را عوض کنید، نه اینکه منتظر بازگشت شرایط قبلی بمانید.

الگوی ۳: ویتنام

«استفاده از پایان بحران برای جهش»

مسئله

اقتصاد ضعیف بعد از جنگ



اقدام کلیدی:

اصلاحات اقتصادی عمیق (Doi Moi)

جذب سرمایه خارجی

ادغام در تجارت جهانی

توصیه سیاستی برای ایران:

اقدامات قابل اجرا:

برنامه اصلاحات اقتصادی

جذب سرمایه خارجی هدفمند: با تضمین حقوق سرمایه‌گذار و اتصال به زنجیره ارزش جهانی

درس کلیدی:

پایان بحران بدون اصلاحات = از دست دادن فرصت تاریخی

جمع‌بندی تجربه سه کشور مورد بررسی:

کوتاه‌مدت:

الگوی اوکراین → جایگزینی مسیرها

الگوی روسیه → تغییر جهت تجارت

بلندمدت:

الگوی ویتنام → اصلاحات ساختاری

«تجربه کشورها نشان می‌دهد که موفقیت در مدیریت اقتصاد جنگی، نه در حفظ وضعیت پیشین،

بلکه در بازطراحی مسیرهای تجاری، تغییر جهت ژئواقتصادی و بهره‌گیری از بحران به‌عنوان محرک

اصلاحات ساختاری نهفته است.»

شرایط تجارت ایران در شرایط جنگ و پس از آن

در شرایط بروز درگیری نظامی و تشدید نااطمینانی‌های ژئوپلیتیکی، ساختار تجارت خارجی کشورها به طور بنیادین دچار اختلال می‌شود و نیازمند بازآرایی سریع در سطح مسیرها، شرکا و سازوکارهای مالی است. اقتصاد ایران نیز به عنوان اقتصادی با وابستگی قابل توجه به واردات کالاهای اساسی و نهاده‌های تولید، در چنین شرایطی با چالش‌های چندوجهی در حوزه تجارت خارجی مواجه می‌شود. بررسی وضعیت جاری تجارت ایران نشان می‌دهد که سالانه حدود ۱۵ میلیارد دلار از واردات کشور (حدود ۲۰,۵ درصد از واردات کشور) به کالاهای اساسی از جمله نهاده‌های تولید محصولات پروتئینی (گوشت قرمز، مرغ و تخم‌مرغ)، برنج، شکر، روغن و حبوبات اختصاص دارد. این سطح از وابستگی، ضرورت اتخاذ راهبردهای جایگزین برای تداوم تامین در شرایط جنگی را دوچندان می‌کند.

در این چارچوب، یکی از مهم‌ترین اقدامات در کوتاه‌مدت، بازتنظیم مسیرهای وارداتی متناسب با محدودیت‌های لجستیکی ناشی از جنگ است. به طور مشخص، در حوزه واردات برنج که سالانه حدود یک میلیون تن و عمدتاً از کشورهای هند و پاکستان تامین می‌شود، اختلال در بنادر جنوبی کشور، به ویژه بندر کلیدی (بندر شهید رجایی و بندر امام خمینی)، ایجاب می‌کند که مسیرهای جایگزین زمینی و ترکیبی مورد استفاده قرار گیرد. در این راستا، واردات از پاکستان از طریق مرزهای زمینی می‌تواند به عنوان یک مسیر فوری و عملیاتی مورد بهره‌برداری قرار گیرد، در حالی که واردات از هند نیز می‌تواند از طریق ترانزیت از پاکستان یا استفاده از ظرفیت‌های بندری جنوب شرق کشور (چابهار) بازطراحی شود. به طور مشابه، در مورد سایر کالاهای اساسی نظیر گوشت قرمز و حبوبات، بهره‌گیری از ظرفیت کشورهای آسیای مرکزی، از جمله ازبکستان و قرقیزستان، در کنار کشورهایمانند ترکیه، می‌تواند به عنوان یک راهکار موثر در شرایط جنگی مطرح شود. این رویکرد نه تنها موجب کاهش وابستگی به مسیرهای دریایی می‌شود، بلکه امکان تنوع‌بخشی جغرافیایی به مبادی وارداتی را نیز فراهم می‌آورد. در حوزه واردات روغن، به ویژه روغن آفتابگردان، تمرکز بر ظرفیت‌های کشورهای شمالی، به ویژه روسیه و استفاده از بنادر شمالی کشور در دریای خزر، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این بنادر از منظر اپراتوری و پس‌کرانه از توان بالقوه برای پذیرش چندین میلیون تن کالا برخوردارند،

اما بهره‌برداری موثر از این ظرفیت مستلزم تقویت همزمان زیرساخت‌های حمل‌ونقل دریایی و ریلی است. در این زمینه، توسعه ناوگان حمل‌ونقل دریایی در دریای خزر و فعال‌سازی و ارتقای کریدورهای ریلی مرتبط، به ویژه مسیر اینچه‌برون و سرخس، باید در دستور کار فوری سیاست‌گذاران قرار گیرد.

فراتر از اقدامات کوتاه‌مدت، شرایط جنگی مستلزم یک بازنگری بنیادین در جهت‌گیری جغرافیایی تجارت خارجی کشور است. به طور سنتی، بخش قابل‌توجهی از تجارت ایران از طریق مسیرهای جنوبی و به ویژه از طریق واسطه‌هایی مانند کشور امارات متحده عربی انجام می‌شد. با این حال، تحولات ژئوپلیتیکی اخیر و موضع‌گیری این کشور در جنگ حاضر، ضرورت گذار از یک الگوی تجارت دریامحور جنوبی را برجسته می‌سازد. این تغییر رویکرد، مستلزم تمرکز بر توسعه کریدورهای جایگزین، از جمله کریدور بین‌المللی شمال-جنوب و تقویت مسیرهای ترانزیتی از طریق کشورهای نظیر جمهوری آذربایجان، روسیه، عراق و ترکیه است. در این چارچوب، توسعه تجارت زمینی با اولویت کالاهایی نظیر مواد غذایی، مصالح ساختمانی و محصولات صنعتی سبک، می‌تواند نقش مهمی در حفظ جریان تجارت ایفا کند. تقویت زیرساخت‌های مرزی، تسهیل فرآیندهای گمرکی و کاهش موانع غیرتعرفه‌ای در این مسیرها، از جمله الزامات تحقق این هدف محسوب می‌شوند.

از منظر نهادی و سیاست‌گذاری، یکی از ابزارهای کلیدی در بازآرایی تجارت خارجی، بهره‌گیری از موافقت‌نامه‌های تجاری دوجانبه و چندجانبه است. در شرایط جنگ و پس از آن، این موافقت‌نامه‌ها می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در تغییر نقشه تجاری کشور و ایجاد مشوق برای فعالان اقتصادی ایفا کنند. در این راستا، تسریع در اجرایی‌سازی و به‌روزرسانی (در صورت نیاز) موافقت‌نامه تجارت ترجیحی با ترکیه، با مشارکت فعال بخش خصوصی و حرکت به سوی انعقاد موافقت‌نامه تجارت آزاد با این کشور، از اهمیت بالایی برخوردار است. همچنین، پیگیری جدی انعقاد و اجرایی شدن موافقت‌نامه تجارت آزاد با پاکستان می‌تواند به عنوان یکی از اولویت‌های سیاستی در این حوزه مطرح شود.

در حوزه مالی و بانکی، با توجه به نقش پیشین کشور امارات متحده عربی در تسهیل نقل‌وانتقالات مالی تجارت ایران، شرایط جدید مستلزم تعریف مسیرهای جایگزین برای انجام این عملیات است. در این چارچوب، استفاده از ظرفیت بانک‌های کشورهای همسوس، به ویژه روسیه (از جمله VTB Bank)،

می‌تواند به عنوان یک مسیر عملیاتی برای انجام نقل و انتقالات مالی مورد توجه قرار گیرد. هرچند طراحی و مقدمات این سازوکار در سال ۱۴۰۲ انجام شده است، اما تا کنون بهره‌برداری گسترده‌ای از آن صورت نگرفته و لازم است در دوره پس از جنگ، توسعه و عملیاتی‌سازی این مسیر به طور جدی در دستور کار قرار گیرد.

در سطح اجرایی، اصلاح و تسهیل فرآیندهای گمرکی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این راستا، گمرک جمهوری اسلامی ایران در کمتر از یک هفته از آغاز جنگ، در اطلاعیه‌ای (اطلاعیه شماره ۱۹) مجموعه‌ای از ۱۱ اقدام را با هدف تسریع و تسهیل ترخیص کالاهای وارداتی اعلام کرده است. تداوم اجرای این اقدامات تا پایان جنگ، در کنار کاهش حد آستانه اعمال محدودیت‌های رفع تعهد ارزی، استفاده از سازوکار ترخیص درصدی و همچنین امکان ترخیص ۱۰۰ درصدی کالاهای اساسی، می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ جریان تامین کالا در شرایط جنگی داشته باشد. تحقق این هدف مستلزم هماهنگی کامل میان بانک مرکزی، سازمان توسعه تجارت، گمرک جمهوری اسلامی ایران و سایر دستگاه‌های ذی‌ربط تا پایان دوره جنگ است. علاوه بر این، به کارگیری ظرفیت مسیر سبز و تعریف استانداردهای مشترک گمرکی با کشورهای همسایه می‌تواند به بهبود کارایی نظام تجاری کشور کمک کند. همچنین، حمایت‌های هدفمند دولت از بخش صادرات، از جمله ارائه یارانه حمل و نقل، بیمه صادراتی در شرایط با مخاطره بالا نقش مهمی در حفظ و تقویت ظرفیت صادراتی کشور ایفا می‌کند.

در افق بلندمدت و در دوره پس از جنگ، بازسازی و اصلاح ساختار تجارت خارجی کشور باید در دستور کار قرار گیرد. این امر مستلزم جذب هدفمند سرمایه‌گذاری خارجی و مشارکت فعال در زنجیره‌های ارزش جهانی است. چنین رویکردی می‌تواند به ارتقای رقابت‌پذیری اقتصاد ایران و کاهش آسیب‌پذیری آن در برابر شوک‌های خارجی کمک کند.

به منظور تعمیق تحلیل از وضعیت تجارت خارجی ایران در شرایط جنگ و پس از آن، بررسی ساختار و ترکیب شرکای تجاری کشور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از این منظر، ارزیابی جایگاه و نقش کشورهای که در شرایط جنگی به دلایل سیاسی از چرخه تجارت ایران حذف یا محدود می‌شوند،

می‌تواند به درک دقیق‌تر ابعاد آسیب‌پذیری و همچنین شناسایی ظرفیت‌های جایگزین کمک کند. در این چارچوب، با توجه به شرایط جاری جنگ و موضع‌گیری کشورهای منطقه، به نظر می‌رسد اکثر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس شامل عربستان سعودی، قطر، کویت، عمان، امارات متحده عربی و بحرین در دوره جنگ و حتی در افق پساجنگ، به تدریج از فهرست مقاصد و مبادی اصلی تجارت ایران خارج شوند یا نقش آن‌ها به طور معناداری کاهش یابد. این تحول، ضرورت بررسی دقیق سهم هر یک از این کشورها در ساختار تجارت خارجی ایران را برجسته می‌سازد.

بررسی داده‌های تجاری ایران در سال ۱۴۰۳ نشان می‌دهد که سهم این کشورها در صادرات، واردات و مجموع تجارت خارجی ایران، به جز در مورد امارات متحده عربی و تا حدودی عمان، بسیار محدود است. این امر در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول ۱- سهم کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در صادرات، واردات و تجارت ایران در

سال ۱۴۰۳

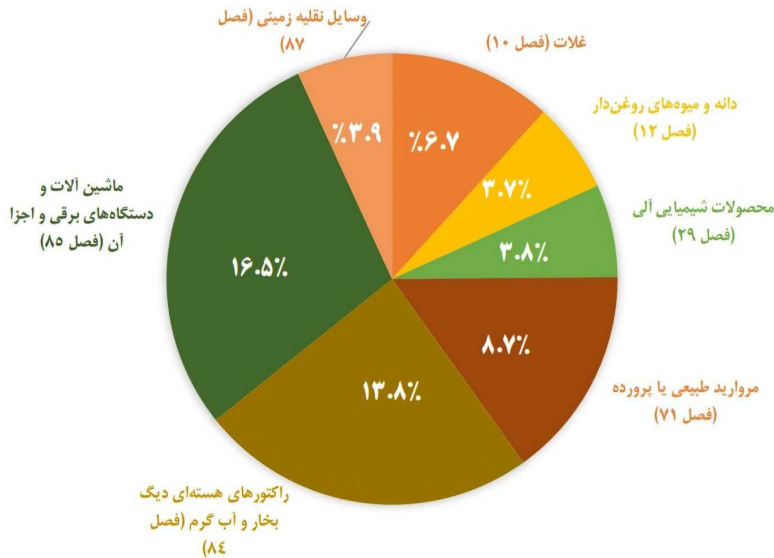
ردیف	نام کشور	سهم (درصد)		
		از صادرات ایران	از واردات ایران	از تجارت ایران
۱	عربستان سعودی	۰,۰۴	≈ ۰	۰,۰۱
۲	قطر	۰,۲۴	۰,۲۸	۰,۲۷
۳	بحرین	۰,۰۳	≈ ۰	۰,۰۱
۴	کویت	۰,۴۳	۰,۰۲	۰,۲
۵	امارات متحده عربی	۱۲,۵	۳۰,۴۳	۲۲,۴۸
۶	عمان	۲,۶۷	۱,۰۹	۱,۷۹

منبع: گمرک جمهوری اسلامی ایران و محاسبات پژوهش

همان گونه که در جدول شماره ۱ ملاحظه می‌گردد سهم کشورهای عربستان، قطر، کویت و بحرین در صادرات، واردات و تجارت ایران در سال ۱۴۰۳ بسیار ناچیز است و عملاً کمتر از ۱ درصد است.

بدین روی به نظر می‌رسد حذف این کشورها از مبادی و مقاصد تجاری کشور منشا اختلال قابل توجهی نباشد. در مقابل، نقش امارات متحده عربی به عنوان یکی از شرکای اصلی تجارت و واسطه مالی تجاری کشور، به ویژه در حوزه واردات و همچنین به عنوان یک هاب واسطه‌ای و نیز نقش عمان به عنوان یکی از مسیرهای مکمل، از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ به طوری که سهم امارات از صادرات و واردات ایران در سال ۱۴۰۳ به ترتیب ۱۲,۵ و ۳۰,۴۳ درصد است. بدین ترتیب حذف یا محدود کردن سهم این کشور در نظام تجاری ایران، نیازمند بررسی دقیق‌تر و طراحی راهکارهای جایگزین است. در راستای بررسی بیشتر، کالاهای عمده در سبد وارداتی از امارات در سطح HS دو رقمی در شکل شماره ۱ نمایش داده شده است.

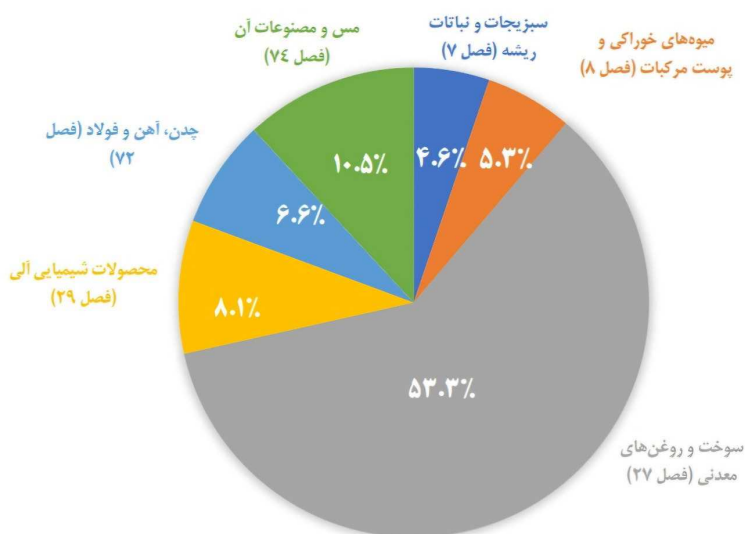
شکل ۱- کالاهای عمده در سبد وارداتی از امارات در سال ۱۴۰۳ (در سطح HS دو رقمی)



منبع: گمرک جمهوری اسلامی ایران

کالاهای عمده در سبد صادراتی به امارات در سطح HS دو رقمی در شکل شماره ۲ نمایش داده شده است.

شکل ۲- کالاهای عمده در سبد صادراتی به امارات در سال ۱۴۰۳ (در سطح HS دو رقمی)



منبع: گمرک جمهوری اسلامی ایران

ساختار تجارت ایران با امارات در سال ۱۴۰۳ نشان‌دهنده نوعی عدم تقارن کارکردی در ترکیب کالاهاست که ریشه در جایگاه متفاوت دو اقتصاد در زنجیره ارزش جهانی دارد. از یک سو، واردات ایران عمدتاً متشکل از کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای نظیر ماشین‌آلات و تجهیزات صنعتی است که بیانگر وابستگی تولید داخلی به تأمین خارجی نهاده‌هاست. از سوی دیگر، صادرات ایران به امارات به طور غالب بر سوخت‌ها و مواد خام متکی است که تمرکز بالایی را در سبد صادراتی نشان می‌دهد. این الگو حاکی از آن است که امارات نقش یک هاب تجاری، صادرات مجدد و واردات مجدد را ایفا می‌کند، در حالی که ایران بیشتر در حلقه‌های ابتدایی زنجیره ارزش قرار دارد.

برای ارزیابی دقیق‌تر ساختار تجارت ایران با امارات، ساختار کالایی تجارت با امارات متحده عربی در

سطح طبقه‌بندی HS شش رقمی مورد بررسی قرار گرفته است. این ارزیابی در دو بخش انجام گرفته است. بخش اول به ۱۰ قلم کالا با بیشترین ارزش صادرات و واردات به و از امارات می‌پردازد و بخش دوم به تمامی کالاهای مورد تجارت با امارات اشاره دارد.

بخش اول

در این بخش ۱۰ قلم کالا با بیشترین ارزش وارداتی از امارات مشخص شدند و در گام بعد امکان واردات آن‌ها در چارچوب موافقت‌نامه تجارت آزاد از یکی از اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا با نرخ تعرفه صفر بررسی گردید. نتایج این بررسی در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول ۲- ده قلم با بیشترین ارزش وارداتی از امارات و ارزیابی امکان واردات از اتحادیه اقتصادی اوراسیا

ردیف	کد HS	عنوان کالا	امکان واردات از اتحادیه اوراسیا با نرخ تعرفه صفر
۱	۷۱۰۸۱۲	طلا	بلی
۲	۹۸۸۷۰۳	قطعات منفصله جهت تولید خودرو	خیر
۳	۱۰۰۵۹۰	ذرت	بلی
۴	۸۵۱۷۱۳	تلفن هوشمند	بلی
۵	۲۳۰۴۰۰	کنجاله	بلی
۶	۱۰۰۶۳۰	برنج	بلی
۷	۱۲۰۱۹۰	دانه سویا	بلی
۸	۸۷۰۱۲۱	تراکتور	بلی
۹	۱۵۱۲۱۱	روغن دانه آفتابگردان	دارای سهمیه تعرفه‌ای (نرخ تعرفه صفر برای واردات ۵۰۰ هزار تن در سال)
۱۰	۹۸۸۷۰۴	قطعات منفصله جهت تولید وسیله نقلیه حمل و نقل کالا و خودرو سواری	خیر



در ادامه، ۱۰ قلم کالا با بیشترین ارزش صادراتی به امارات مشخص شدند و در گام بعد امکان صادرات آن‌ها در چارچوب موافقت‌نامه تجارت آزاد به یکی از اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا با نرخ تعرفه صفر بررسی گردید. نتایج این بررسی در جدول شماره ۳ ارائه شده است.

جدول ۳- ده قلم با بیشترین ارزش صادراتی به امارات و ارزیابی امکان صادرات به اتحادیه اقتصادی

اوراسیا

ردیف	کد HS	عنوان کالا	امکان صادرات به اتحادیه اوراسیا با نرخ تعرفه صفر
۱	۲۷۱۱۲۱	گاز طبیعی	بلی
۲	۲۷۱۱۱۲	پروپان مایع شده	بلی
۳	۲۷۱۱۱۳	بوتان مایع شده	بلی
۴	۲۷۱۳۲۰	قیر نفت	بلی
۵	۲۹۰۵۱۱	متانول	بلی
۶	۲۷۱۱۱۹	سایر گازهای نفتی و هیدروکربورهای مایع شده	بلی
۷	۳۹۰۱۱۰	پلی اتیلن (چگالی کمتر از ۹۴ درصد)	خیر
۸	۳۹۰۱۲۰	پلی اتیلن (چگالی بیشتر از ۹۴ درصد)	خیر
۹	۷۲۰۶۱۰	شمش آهن و فولاد غیر ممزوج	بلی
۱۰	۳۱۰۲۱۰	اوره	بلی

منبع: محاسبات پژوهش

یافته‌های جداول شماره ۲ و ۳، نشان می‌دهد که اتحادیه اقتصادی اوراسیا از ظرفیت بالایی برای بازپیکربندی روابط تجاری ایران برخوردار است، به گونه‌ای که بخش قابل توجهی از ۱۰ قلم مورد تجارت با امارت با امکان بهره‌مندی از نرخ تعرفه صفر در چارچوب این موافقت‌نامه قابل مبادله هستند. در مواردی نیز که تعرفه صفر اعمال نمی‌شود، نرخ‌های تعرفه‌ای در سطح دولت کامله الوداد (MFN)

قرار دارند که ماهیتی غیرتبعیض‌آمیز داشته و مانع جدی برای تجارت محسوب نمی‌شوند.

بخش دوم

در بخش دوم این ارزیابی، تمام کالاهای مورد تجارت با امارات بررسی شده‌اند که نتایج این بررسی نشان می‌دهد که در سال ۱۴۰۳، ایران ۳۳۴۲ قلم کالا از امارات وارد و در مقابل، ۳۱۱۴ قلم کالا به این کشور صادر کرده است. این تنوع بالای اقلام تجاری، بیانگر نقش چندوجهی امارات در تجارت ایران، نه صرفاً به‌عنوان یک شریک تجاری، بلکه به‌عنوان یک واسطه منطقه‌ای برای دسترسی به بازارها و تامین‌کنندگان مختلف است. جهت واکاوی دقیق‌تر میزان وابستگی به امارات، سهم این کشور در تامین هر یک از کالاهای وارداتی ایران محاسبه شده که نتایج آن در جدول شماره ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴- سهم امارات در واردات ایران در سطح هر کالا در سال ۱۴۰۳

سهم در واردات			
گروه اول	گروه دوم	گروه سوم	گروه چهارم
۱۲۸۶	۶۳۰	۲۸۲	۲۶۷
تعداد کالا			

منبع: محاسبات پژوهش

مبنای گروه‌بندی‌ها در جدول شماره ۵ ارائه شده است.

جدول ۵- مبنای گروه‌بندی کالاها بر اساس سهم وارداتی

ردیف	گروه	سهم (درصد)
۱	گروه اول	۲۵-۱
۲	گروه دوم	۵۰-۲۵
۳	گروه سوم	۷۵-۵۰
۴	گروه چهارم	۱۰۰-۷۵

منبع: محاسبات پژوهش

بر اساس جداول شماره ۴ و ۵، در ۱۲۸۶ کالای وارداتی، امارات سهمی بین ۱ تا ۲۵ درصدی در واردات این کالاها از آن کشور داشته است و به همین ترتیب در ۲۶۷ کالا وارداتی، امارات سهمی بین ۷۵ تا ۱۰۰ درصدی در واردات کالاهای مورد اشاره داشته است. محاسبات مشابهی نیز در خصوص کالاهای صادراتی ایران به امارات انجام شده است که نتایج آن در جدول شماره ۶ نمایان است.

جدول ۶- سهم امارات در صادرات ایران در سطح هر کالا در سال ۱۴۰۳

سهم در صادرات				تعداد کالا
گروه اول	گروه دوم	گروه سوم	گروه چهارم	
۴۷۹	۹۲	۳۷	۹۱	

منبع: محاسبات پژوهش

بر اساس جدول شماره ۶، در ۹۱ کالای صادراتی، امارات سهمی ۷۵ تا ۱۰۰ درصدی در صادرات این کالاها به آن کشور داشته است.

دسته‌بندی کالاها امکان آن را فراهم می‌آورد که میزان تمرکز یا تنوع مبادی و مقاصد تجاری در سطح کالایی به صورت دقیق‌تر ارزیابی شود و مشخص گردد که در چه حوزه‌هایی وابستگی بالاتری به امارات وجود دارد و در چه بخش‌هایی امکان جایگزینی سریع‌تر فراهم است. یافته‌های حاصل از این بررسی نشان می‌دهد که اگرچه در برخی اقلام، سهم امارات در تامین یا مقصد صادراتی بالا است، اما در بخشی دیگر از کالاها، این سهم در سطوح پایین‌تر قرار دارد که بیانگر امکان نسبی تنوع‌بخشی به شرکای تجاری در آن حوزه‌ها است. با این حال، پرسش کلیدی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که آیا در شرایط جنگ و پس از آن، فعالان اقتصادی ایرانی قادر خواهند بود با استفاده از ظرفیت‌های موجود در سایر ترتیبات تجاری، به ویژه موافقت‌نامه تجارت آزاد میان ایران و اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا، جریان تجارت خود را از امارات به کشورهای عضو این اتحادیه منتقل کنند یا خیر.

در پاسخ به این پرسش، یکی از مهم‌ترین متغیرهای تعیین‌کننده، ساختار تعرفه‌ای و به ویژه نقش حذف تعرفه‌ها در چارچوب این موافقت‌نامه است. در همین راستا، برای هر یک از گروه‌های کالایی تعریف

شده در تجارت با امارات، تعداد کالاهایی که در چارچوب این موافقت‌نامه مشمول تعرفه صفر شده‌اند، محاسبه شده است. نتایج این بررسی در جداول شماره ۷ و ۸ ارائه شده است. در تبیین این بررسی، جداول شماره ۴ و ۷ به یکدیگر مرتبط‌اند. با این توضیح که در جدول شماره ۴ کالاهای وارداتی از امارات بر اساس سهم امارات در واردات هر یک از کالاها در یکی از گروه‌های چهارگانه قرار گرفتند؛ در ادامه بررسی گردید که چه تعداد از همان کالاها اگر به جای امارات از یکی از کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا به ایران وارد شوند، مشمول تعرفه صفر خواهند شد که نتایج این بررسی در جدول شماره ۷ نشان داده شده است. بر اساس جداول شماره ۴ و ۷، تعداد ۱۱۶۸ قلم کالا از ۱۲۸۶ قلم کالا (جدول شماره ۴-گروه اول) اگر به جای امارات از یکی از کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا وارد ایران شود، با نرخ تعرفه صفر مواجه است و به همین ترتیب این امر برای گروه‌های دوم، سوم و چهارم صادق است.

جدول ۷- تعداد کالاهای مشمول نرخ تعرفه صفر در واردات به ایران از کشورهای عضو اتحادیه

اقتصادی اوراسیا

				گروه بندی
گروه چهارم	گروه سوم	گروه دوم	گروه اول	
۲۴۶	۲۵۳	۵۶۲	۱۱۶۸	تعداد کالا

منبع: محاسبات پژوهش

جداول شماره ۶ و ۸ نیز به یکدیگر مرتبط‌اند. با این توضیح که در جدول شماره ۶ کالاهای صادراتی به امارات بر اساس سهم امارات در صادرات هر یک از کالاها در یکی از گروه‌های چهارگانه قرار گرفتند؛ در ادامه بررسی گردید که چه تعداد از همان کالاها اگر به جای امارات به یکی از کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا صادر شوند، مشمول تعرفه صفر خواهند شد که نتایج این بررسی در جدول شماره ۸ نشان داده شده است. بر اساس جداول شماره ۶ و ۸، تعداد ۴۳۷ قلم کالا از ۴۷۹ قلم کالا (جدول شماره ۶- گروه اول) اگر به جای امارات به یکی از کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی

اوراسیا صادر شود، با نرخ تعرفه صفر مواجه است و به همین ترتیب این امر برای گروه های دوم، سوم و چهارم صادق است.

جدول ۸- تعداد کالاهای مشمول نرخ تعرفه صفر در واردات به کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی

اوراسیا از ایران

گروه بندی	گروه اول	گروه دوم	گروه سوم	گروه چهارم
تعداد کالا	۴۳۷	۸۵	۳۳	۸۰

منبع: محاسبات پژوهش

همانگونه که از جداول ۷ و ۸ قابل استنباط است، طیف گسترده‌ای از کالاهای مورد بررسی در گروه‌بندی‌های چهارگانه (حداقل ۸۹ درصد)، مشمول تعرفه صفر هستند که این امر می‌تواند به طور بالقوه انگیزه قابل توجهی برای تغییر جهت جریان‌های تجاری ایجاد کند. بر این اساس، می‌توان استدلال کرد که در سطح نظری و از منظر صرفاً تعرفه‌ای، بخش قابل توجهی از صادرکنندگان و واردکنندگان ایرانی که پیش از این با امارات متحده عربی تعامل تجاری داشته‌اند، قادر خواهند بود در شرایط جنگ و پس از آن، همان سبد کالایی را با کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا مبادله کنند. این ظرفیت به ویژه در شرایطی اهمیت می‌یابد که محدودیت‌های تنش نظامی و تبعات آن دسترسی به مسیرهای سنتی را کاهش داده و نیاز به بازآرایی سریع شبکه تجاری را افزایش داده است البته ذکر این نکته مهم به نظر می‌رسد که در دوره پساجنگ با توجه به محدودیت منابع، بازنگری در ترکیب کالاهای وارداتی و اولویت‌دهی به اقلام اساسی و نهاده‌های تولید ضروری است.

با توجه به نتایج این بررسی و شرایط تجاری ایران در حین و پس از جنگ به نظر می‌رسد می‌توان در خصوص کشور ارمنستان به عنوان جایگزینی برای کشور امارات متحده عربی در نظام تجاری کشور مطالعات و بررسی‌های جامعی را انجام داد. چرا که این کشور عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیاست و مزایای فوق‌الذکر را می‌توان از طریق این کشور به دست آورد و همچنین نوردوز مرز زمینی ایران و

ارمنستان است. با این حال، باید تاکید کرد که امکان‌پذیری این انتقال صرفاً بر اساس معیار تعرفه‌ای، پیشنهاد گردید. در عمل، عوامل متعددی از جمله هزینه‌های حمل و نقل، زیرساخت‌های لجستیکی، زمان تحویل، استانداردهای فنی و بهداشتی، روابط بانکی و مالی و همچنین سطح توسعه‌یافتگی بازارهای مقصد، در تعیین قابلیت جایگزینی شرکای تجاری نقش ایفا می‌کنند. از این رو، اگرچه حذف تعرفه‌ها یک پیش‌شرط مهم برای تسهیل تجارت است، اما در ادامه باید این امر در چارچوب یک رویکرد جامع‌تر مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد. در این میان می‌توان از ظرفیت اتاق‌های مشترک بازرگانی برای تغییر و جایگزینی شرکای تجاری بهره‌برداری کرد که این موضوع با هزینه کمتری به اهداف خود دست یابد.

توصیه سیاستی

با توجه به تحلیل‌های ارائه‌شده در این گزارش و تجربه‌های کشورهای، مدیریت موثر تجارت خارجی ایران در شرایط جنگی و پس از آن مستلزم اتخاذ مجموعه‌ای از اقدامات هماهنگ در سطوح لجستیکی، نهادی، مالی و راهبردی است. در این راستا، مهم‌ترین توصیه‌های سیاستی به شرح زیر قابل طرح است:

➤ **بازطراحی فوری مسیرهای تجاری و ایجاد کریدورهای جایگزین:** در کوتاه‌مدت، ضروری است با الگوبرداری از تجربه اوکراین، مسیرهای جایگزین برای واردات و صادرات، به‌ویژه از طریق مرزهای زمینی و کریدورهای ترکیبی، به‌سرعت فعال‌سازی شوند. توسعه کریدورهای اضطراری صادرات و واردات، همراه با ارائه یارانه حمل و نقل برای جبران افزایش هزینه‌های لجستیکی، می‌تواند در حفظ جریان تجارت نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کند.

➤ **تغییر جهت جغرافیایی تجارت خارجی:** با توجه به محدودیت‌های مسیرهای جنوبی، تمرکز سیاست‌گذاری باید به سمت توسعه تجارت با کشورهای همسایه، آسیای مرکزی و اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا سوق یابد. تقویت کریدورهای شمالی و زمینی، به‌ویژه در چارچوب کریدور بین‌المللی شمال-جنوب، و بهره‌گیری از ظرفیت کشورهای نظیر روسیه، قزاقستان، ارمنستان و ترکیه، از اهمیت راهبردی برخوردار است.

- **تنوع بخشی به شرکای تجاری با تاکید بر جایگزینی امارات متحده عربی:** با توجه به نقش محوری امارات در تجارت ایران، لازم است سیاستی هدفمند برای کاهش وابستگی به این کشور تدوین شود. در این راستا، استفاده از ظرفیت‌های تعرفه‌ای موافقت‌نامه تجارت آزاد با اتحادیه اقتصادی اوراسیا و توسعه همکاری با کشورهایی مانند ارمنستان می‌تواند به‌عنوان یکی از گزینه‌های عملیاتی مورد توجه قرار گیرد.
- **توسعه سازوکارهای مالی جایگزین و غیردلاری:** با توجه به محدودیت‌های موجود در نقل و انتقالات مالی، گسترش پیمان‌های پولی دوجانبه، استفاده از ارزهای محلی و بهره‌گیری از ظرفیت بانک‌های کشورهای همسو، به ویژه روسیه، باید در دستور کار قرار گیرد. ایجاد شبکه‌های مالی امن و کاهش وابستگی به واسطه‌های سنتی، از الزامات پایداری تجارت در شرایط جنگی است.
- **اصلاح و تسهیل فرآیندهای گمرکی و تجاری:** استمرار و تعمیق اقدامات تسهیلی در حوزه گمرک، در کنار اقداماتی مانند ترخیص درصدی، کاهش حد آستانه اعمال محدودیت‌های رفع تعهد ارزی و توسعه به کارگیری عملیات مسیر سبز، می‌تواند به کاهش زمان و هزینه تجارت کمک کند. همچنین، هماهنگی نهادی میان دستگاه‌های مرتبط و حرکت به سوی پذیرش استانداردهای مشترک با شرکای تجاری، ضروری است.
- **سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های لجستیکی و حمل و نقل:** توسعه ظرفیت بنادر شمالی، تقویت ناوگان دریایی در دریای خزر و توسعه کریدورهای ریلی، به‌ویژه در مسیرهای اینچ‌برون و سرخس، باید به‌عنوان یک اولویت فوری در دستور کار قرار گیرد تا امکان پشتیبانی از تغییر مسیرهای تجاری فراهم شود.
- **حرکت به سوی اصلاحات ساختاری در دوره پساجنگ:** در افق بلندمدت، لازم است از شرایط ایجاد شده به‌عنوان فرصتی برای اصلاحات بنیادین در ساختار تجارت خارجی استفاده شود. این امر شامل بهبود محیط کسب و کار، جذب هدفمند سرمایه‌گذاری خارجی و ادغام فعال‌تر در زنجیره‌های ارزش جهانی است.



در مجموع، تحقق این توصیه‌ها مستلزم رویکردی یکپارچه و هماهنگ در سیاست‌گذاری است که در آن، واکنش‌های کوتاه‌مدت به اختلالات جنگی، با اهداف بلندمدت توسعه و ارتقای جایگاه ایران در تجارت بین‌الملل همسو شود.



تهران، خیابان طالقانی،
نبش خیابان شهید موسوی (فرصت)، پلاک ۱۷۵
تلفن: ۰۰۰۰۰ ۸۵۷۳ (۰۲۱)
ICCIMA.IR



مرکز پژوهش های اتاق ایران

